

# مصدق پژوهی و تحلیل روایی آیات «فتنه» و تطبیق آن با عصر ظهور

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۰۶ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۱۰

سیما آلبوغبیش<sup>۱</sup>

مینا شمخی<sup>۲</sup>

## چکیده

واژه «فتنه» و مشتقات آن در آیات فراوانی از قرآن کریم تکرار شده و گاه بر مصادیق گوناگون تطبیق شده‌اند؛ برخی روایات نیز به توضیح و تفصیل این آیات پرداخته‌اند؛ برخی احادیث مفسر آیات فتن اشاره به اتفاقات عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارند که شناخت آن‌ها راه نجات از گمراهی و تشخیص حق از باطل در آن عصر است. در این نوشتار با جستجوی مصادیق آیات فتنه در روایات، مفهوم آن به روشنی بیان شده و با حوادث عصر ظهور تطبیق داده می‌شود؛ امتحان و ابتلاء، شرک، فریب دادن و... از مصادیق بیان شده برای فتنه هستند؛ همچنین گروهی از روایات پذیرش ولایت خلیفه خدا به‌ویژه ولایت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را فتنه مهمی معرفی می‌کند؛ فتنه تصور ایجاد دین جدید نیز از مصادیق مهم فتنه در عصر ظهور خواهد بود که تشکیک و یا رد پذیرش ولایت حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در پی دارد.

**کلیدواژه‌ها:** فتن، فتنه عصر ظهور، علائم ظهور.

۱. کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز، (نویسنده مسئول)؛

s.albooghobys2016@gmail.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز؛ m-shamkhi@yahoo.com

## مقدمه

یکی از مباحث قرآنی فتنه و آزمایش الهی است. در قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام بارها آزمون الهی با واژگانی مانند «بلاء»، «تمحیص»، «فتنه»، «امتحان» و «تمییز» بیان شده که بیانگر عنایت ویژه ثقلین به این پدیده است تا جایی که می‌توان ذات و ماهیت دنیا را با امتحان و فتنه عجین دانست؛ ماهیت و مصادیق فتنه در دوره‌های مختلف تاریخ، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی داشته است که قرآن کریم به تعداد زیادی از این مصادیق اشاره می‌کند؛ در این دروان و نیز عصرهای آینده تا وقوع قیامت، بشر شاهد فتنه‌ها و آزمایش‌ها خواهد بود؛ شناخت ماهیت فتنه و مصادیق آن از الزامات معرفتی هر انسان است و به نجات از فتنه‌های پیش‌رو می‌انجامد؛ بهترین راه شناخت فتنه مراجعه به قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام است.

در قرآن کریم واژه «فتنه» و مشتقات آن حدود شصت بار در ۳۲ سوره و ۵۸ آیه به کار رفته است؛ با مراجعه به آیات و روایات تفسیری، معلوم می‌شود که فتنه در فرهنگ ثقلین تفسیرهای متمایزی دارد؛ اما برخی مصادیق فتنه اهمیت ویژه‌ای داشته‌اند که سبب تأکید اهل بیت علیهم السلام بر آن‌ها بوده است؛ از جمله این فتنه‌ها، اتفاقات عصر ظهور و قیام منجی است که شناخت آنها بر هر شیعه‌ای لازم است تا در صورت حضور در آن عصر دچار ابتلاء به فتنه‌ها نگردد. بر این اساس در نوشتار حاضر ریشه واژه «فتنه» و مشتقات آن مورد واکاوی مفهومی قرار گرفته، با مراجعه به آیات و روایات تفسیری به مصادیق فتنه‌ها اشاره می‌گردد؛ سپس با توجه به احادیث به مهم‌ترین مصداق فتنه در عصر ظهور پرداخته می‌شود.

درباره «فتنه» چند مقاله نوشته شده که عبارت‌اند از: «افشای طرح‌های ایجاد فتنه در قرآن کریم» از محمدجواد جاوری، «فتنه‌ها و راه‌های گریز از آن‌ها» از علیرضا حیدری و «راهکارهای مبارزه با فتنه‌های اجتماعی باتکیه بر آیات و روایات» از علی بید سرخی؛ اما در هیچ‌کدام به روایات تفسیری و فتنه عصر ظهور اشاره نشده است.

نگارش پیش‌رو در سه بخش مفهوم‌شناسی فتنه در لغت و اصطلاح، مصداق‌شناسی آیات فتنه در روایات، تطبیق مصادیق فتنه بر عصر ظهور ارائه می‌گردد.

## الف) مفهوم‌شناسی فتنه در لغت و اصطلاح

فتنه از ماده «فتن»<sup>۱</sup> در اصل به معنای وارد کردن طلا در آتش است تا خالصی آن از ناخالصی جدا گردد<sup>۲</sup>؛ واژه «الْفَتَيْن» به معنای سنگ سیاه آتش گرفته نیز از این معنی گرفته شده است؛ مانند این فرموده خداوند متعال: «يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ»<sup>۳</sup> قیامت آن روزی است که آن‌ها را بر آتش می‌سوزانند؛ یعنی «يُحْرَقُونَ بِالنَّارِ»<sup>۴</sup>. شیبانی می‌گوید: «فَتْنٌ ذَاكٌ» به معنای جست‌وجو و تفحص درباره چیزی برای یادگیری آن<sup>۵</sup>.

«الْفِتْنُ» آنچه بین مردم مانند جنگ و غیره اتفاق می‌افتد؛ در امر عشق از تعبیری مانند: «فُتِنَ بِهَا» و «افْتَتِنَ بِهَا» (عاشق او شد) استفاده می‌شود<sup>۶</sup> و شیطان را به همین دلیل «الْفِتَّانُ» گویند<sup>۷</sup>. ابن سیده نیز شیطان را به دلیل گمراه کردن بندگان «الْفَاتِنُ» نامیده است<sup>۸</sup>. لغت‌دانان برای واژه‌ی «فتنه» و مشتقاتش در قرآن کریم، معانی مختلفی ذکر کرده‌اند، از جمله:

۱- اختبار و آزمایش است؛ مانند: «وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»<sup>۹</sup> ما کسانی را که پیش از

---

۱. کتاب العین، ج ۸، ص ۱۲۷؛ کتاب الجیم، ج ۳، ص ۲۴؛ تہذیب اللغہ، ج ۱۴، ص ۲۱۱؛ المحيط فی اللغہ، ج ۹، ص ۴۴۵.

۲. المفردات فی غریب القرآن، ص ۶۲۳؛ الفائق، ج ۳، ص ۵؛ فرهنگ اجدی، ص ۶۵۴؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۹، ص ۲۳؛ قاموس القرآن، ج ۵، ص ۱۴۷.

۳. ذاریات: ۱۳.

۴. کتاب العین، ج ۸، ص ۱۲۷؛ تہذیب اللغہ، ج ۱۴، ص ۲۱۱؛ المحيط فی اللغہ، ج ۹، ص ۴۴۵؛ معجم المقایس فی اللغہ، ج ۴، ص ۴۷۲؛ المحکم و المحيط الأعظم، ج ۹، ص ۵۰۲.

۵. کتاب الجیم، ج ۳، ص ۲۴.

۶. کتاب العین، ج ۸، ص ۱۲۷؛ المحيط فی اللغہ، ج ۹، ص ۴۴۵؛ المحکم و المحيط الأعظم، ج ۹، ص ۵۰۱.

۷. کتاب العین، ج ۸، ص ۱۲۷؛ معجم المقایس فی اللغہ، ج ۴، ص ۴۷۲؛ کتاب الماء، ج ۳، ص ۹۸۳؛ أساس البلاغہ، ص ۴۶۳.

۸. المحکم و المحيط الأعظم، ج ۹، ص ۵۰۱.

۹. عنکبوت: ۳.

آنان بودند آزمودیم؛ یعنی «اختبرنا» و «ابتلینا» آن‌ها را آزمایش و امتحان کردیم.<sup>۱</sup>  
 ۲- کفر؛ مانند: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ<sup>۲</sup>؛ با آنان بجنگید تا دیگر کفری نباشد».

۳- دیوانگی و جن‌زدگی؛ مانند: «بِأَيْكُمُ الْمُفْتُونُ<sup>۳</sup>؛ کدامتان جن‌زده و مجنون شده است؟».

۴- عذاب، مال، اولاد، اختلاف نظر، غلو و ...<sup>۴</sup>.

۵- به شگفتی انداختن و دلجویی کردن و سرگردان کردن و وسوسه کردن است.<sup>۵</sup>

۶- امری که موجب اختلال و اضطراب می‌شود.<sup>۶</sup>

باتوجه به چنین دیدگاه‌هایی به نظرمی‌رسد معنای محنت و ابتلاء برای واژه فتنه به صحت نزدیک‌تر باشد.<sup>۸</sup>

تمامی معانی بالا در یک وجه مشترک‌اند و آن امتحان و آزمایش است چه ممکن است شیطان فتنان وسیله امتحان و آزمایش باشد یا ممکن است جنگ وسیله‌ای برای آزمایش باشد و یا عشق به شخصی.<sup>۹</sup>

راغب در مفردات می‌گوید: واژه فتنه مثل بلاء هر دو هم در سختی و هم در آسایش به کار می‌روند ولی معنای فتنه و بلاء در شدت و سختی آشکارتر و به کار بردنش بیشتر

۱. معجم المقاییس فی اللغة، ج ۴، ص ۴۷۲؛ کتاب الماء، ج ۳، ص ۹۸۳؛ المفردات فی غریب القرآن،

ص ۶۲۳؛ الفائق، ج ۳، ص ۵.

۲. المحکم و المحيط الأعظم، ج ۹، ص ۵۰۱-۵۰۲.

۳. بقره: ۱۹۳.

۴. قلم: ۶.

۵. تهذیب اللغة، ج ۴، ص ۲۱۱؛ قاموس القرآن، ج ۵، ص ۱۴۸.

۶. فرهنگ ابجدی، ص ۶۵۴.

۷. تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۸، ص ۳۱۳. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۰، ص ۲۰۴.

۸. المیزان، ج ۱۹، ص ۳۴؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۹، ص ۲۳.

۹. تحلیل و بررسی انواع ابتلائات قرآنی بر اساس روایات، ص ۱۷.

است.<sup>۱</sup> «وَنَبَلُوكُم بِالْحَيْرِ وَفِتْنَةٍ»؛ و شما را از راه آزمایش به بد و نیک خواهیم آزمود». علامه طباطبایی ذیل آیه ی «وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ»؛ و بدین گونه ما برخی از آنان را به برخی دیگر آزمودیم» معنای فتنه را امتحان و آزمایش تفسیر کرده است.<sup>۲</sup>

در روایتی از امام علی علیه السلام درباره تفسیر فتنه که از متشابهات است پرسیدند؛ امام فرمود: فتنه چند نوع است یکی از آن ها فتنه آزمایش است، چنان که خدا فرموده: «الْمَأْمُورُ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُفْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»؛ چنان که به موسی علیه السلام فرموده: «وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا». یکی از آن ها فتنه کفر است، چنان که خدا فرموده: «لَقَدْ ابْتَعَا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ» و چنان که در مورد منافقانی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در غزه تبوک اجازه تخلف از جهاد گرفتند فرمود: «وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ ائْتَدْنَا لِي وَ لَا تَفْتِنِّي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا»، یعنی به من اجازه بده و به سبب شرکت نکردن در جنگ کافرم نکن، اما خداوند در جوابشان فرمود که آن ها در کفر افتاده اند و جهنم کافران را در برگرفته است.<sup>۳</sup>

بنابراین «فتنه» در معانی مختلفی به کار رفته است که مهم ترین و پرکاربردترین آن ابتلاء و آزمایش است و دیگر معانی به نوعی به ابتلاء و آزمایش برمی گردند.

تعریف «فتنه» در اصطلاح باتوجه به معانی لغوی آن چنین تعریف می شود: هر چیزی که انسان را به خود مشغول کند چنان که تشخیص سره از ناسره سخت گردد و در نهایت او را به ابتلاء و آزمایش سوق دهد، فتنه نامیده می شود.

## ب) مصداق شناسی آیات فتنه در روایات

قرآن کریم شصت بار از فتنه سخن گفته است؛ البته برخی مضامین تکراری هستند؛

۱. المفردات فی غریب القرآن، ص ۶۲۳.

۲. انبیاء: ۳۵.

۳. انعام: ۵۳.

۴. المیزان، ج ۷، ص ۱۰۳.

۵. بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۷۴.

همچنین در ذیل بیشتر آن‌ها روایت تفسیری خاصی مربوط به معنای فتنه نیامده است. از این رو تنها به هشت آیه‌ای که تفسیر آشکاری از اهل بیت علیهم‌السلام درباره آن رسیده، اشاره می‌شود.

### ۱. فتنه مردم به وسیله اهل بیت علیهم‌السلام

برخی احادیث اهل بیت علیهم‌السلام را مصداق فتنه معرفی می‌کنند؛ با این توضیح که مردم به وسیله اهل بیت علیهم‌السلام مورد فتنه (آزمایش) قرار می‌گیرند؛ آیاتی که فتنه در آن به این گونه تفسیر شده است عبارت‌اند از:

#### ۱-۱. آیه ۲ و ۳ سوره عنکبوت

أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ \* وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ<sup>۱</sup>؛ آیا مردم گمان کردند که رها می‌شوند تا بگویند ایمان آوردیم و مورد فتنه قرار نمی‌گیرند، درحالی که ما کسانی که قبل از آن‌ها بودند را مورد فتنه قرار دادیم. پس حتماً خدا باید راستگویان و دروغگویان را بشناسد». در تفسیر و تعیین مصداق این آیه روایاتی از اهل بیت علیهم‌السلام در تفاسیر روایی نقل شده است که از این قرار است:

امام حسین علیه‌السلام از پدرشان امیر مؤمنان علیه‌السلام روایت می‌کنند هنگامی که این آیات نخستین سوره عنکبوت نازل شد، به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عرض کردم ای رسول خدا، این فتنه چیست؟ پیغمبر فرمود: ای علی، تو همان کسی هستی که مردم به وسیله تو آزموده می‌شوند و تو مورد دشمنی قرار می‌گیری؛ پس برای جنگ آماده باش.<sup>۲</sup>

همچنین روایت شده که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شبی در مسجد بود؛ نزدیک صبح امیرمؤمنان علی علیه‌السلام داخل مسجد شد؛ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صدایش کرد: ای علی، نزد من بیا؛ پس هنگامی که به رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نزدیک شد، به او فرمود:

ای علی، امشب مانندم برای اینکه مرا ببینی و از خدا هزار حاجت خواستم که برایم برآورده کرد و مانند همین‌ها را برای تو خواستم و برای تو نیز برآورده کرد و از خدا خواستم که بعد از من، اتمم را پیرامون تو متحد و مجتمع کند، اما خداوند امتناع کرده

۱. عنکبوت: ۲-۳.

۲. تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ج ۱، ص ۴۲۷؛ البرهان، ج ۴، ص ۳۰۴.

و فرمود: «الم \* أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»<sup>۱</sup>

در حدیث دیگری امام رضا علیه السلام فرمود:

آنچه شما گردن هایتان را برایش دراز می‌کنید و انتظارش را می‌کشید (قیام حضرت محمد بن الحسن المهدی) محقق نخواهد شد، مگر اینکه غربال و تمییز شوید و در آن امتحانات جز اندکی باقی نمی‌مانند. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «الم \* أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»<sup>۲</sup>

### ۲-۱. آیه ۶ سوره قلم

بِأَيِّكُمْ الْمُفْتَنُونَ<sup>۳</sup>؛ کدام یک از شما مورد فتنه و فریب قرار گرفتید؟

در روایت آمده هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را گرفت و بالا برد، فرمود:

هرکه من مولای اویم پس علی مولای اوست، عده‌ای از مردم گفتند: محمد صلی الله علیه و آله به وسیله پسرعمویش فریب خورد و مفتون شده. پس این آیه نازل شد: «فَسَبَّوْهُ وَ يُبْصِرُونَ \* بِأَيِّكُمْ الْمُفْتَنُونَ؛ یعنی به زودی خواهی دید و خواهند دید که کدام یک از شما فریب خورده‌اید؟»<sup>۴</sup>

### ۳-۱. آیه ۷۱ سوره مائده

وَ حَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِئْتَةً فَعَمُوا وَ صَمُوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَ صَمُوا كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ<sup>۵</sup>؛ و گمان کردند که دیگر فتنه‌ای نخواهد بود؛ پس کور و کر شدند؛ سپس خداوند بر آن‌ها برگشت؛ سپس بسیاری از آن‌ها کور و کر شدند و خداوند از اعمالشان بیناست.»

امام صادق علیه السلام فرمود:

«وَ حَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِئْتَةً» در آنجا که پیامبر صلی الله علیه و آله بین آن‌ها بود؛ پس کور و کر شدند هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و آله از دنیا رفت. سپس هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام قیام کرد، خداوند به آن‌ها برگشت؛ سپس کور و کر شدند تا هنگام ساعت (قیامت صغرا که همان

۱. تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ج ۱، ص ۴۲۸؛ البرهان، ج ۴، ص ۳۰۴.

۲. نورالتقلین، ج ۴، ص ۱۵۰.

۳. قلم: ۶.

۴. تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ج ۲، ص ۷۱۱.

۵. مائده: ۷۱.

قیام قائم است و قیامت کبریا).<sup>۱</sup>

## ۴-۱. آیه ۲۵ سوره انفال

وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛<sup>۲</sup> و بپرهیزید از فتنه‌ای که تنها مخصوص ستمکاران شما نباشد (بلکه ظالمان و مظلومان همه را فراگیرد) و بدانید که عقاب خدا بسیار سخت است.

درباره تفسیر این آیه از امام صادق علیه السلام سؤال کردند؛ حضرت فرمود:

پس از آنکه رسول الله صلی الله علیه و آله از دنیا رفت فتنه‌ای به مردم اصابت کرد تا اینکه علی علیه السلام را رها کردند و با غیر او بیعت کردند و این همان فتنه‌ای است که به وسیله آن مفتون و آزموده شدند، درحالی که رسول الله صلی الله علیه و آله آن‌ها را امر به اطاعت از علی علیه السلام و اوصیای بعدی از آل محمد صلی الله علیه و آله کرده بود.<sup>۳</sup>

## ۲. دشمنان اهل بیت علیهم السلام مصداق فتنه

برخی روایات در ذیل آیه بیست سوره فرقان اشاره به این دارد که دشمنان را مایه فتنه (آزمایش) اهل بیت علیهم السلام معرفی می‌کند.

وَ مَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَ يَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَ جَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَ تُصْبِرُونَ وَ كَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا؛<sup>۴</sup> و پیش از تو رسولانی نفرستادیم مگر اینکه غذا می‌خوردند و در بازارها راه می‌رفتند و شما را عامل فتنه یکدیگر قرار دادیم که ببینیم آیا صبر می‌کنید؟ درحالی که پروردگارت بینا بود.

امام باقر علیه السلام فرمود:

پیامبر صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام را دور خود جمع کرد و در را بر آن‌ها بست و فرمود: ای خانواده من و ای خاندان خدا، پروردگار متعالی بر شما سلام می‌رساند و این جبرئیل است که همراه شما در خانه است و می‌گوید: خداوند به شما می‌فرماید که من دشمنان را مایه فتنه شما قرار دادم. پس چه می‌گویید؟ همگی گفتند: ای رسول خدا، برای امر خدا و قضای نازل شده او صبر می‌کنیم تا بر خداوند وارد شویم و پاداش نیکوی او را به طور کامل دریافت کنیم و شنیده‌ایم که خداوند برای

۱. الکافی، ج ۸، ص ۱۹۹.

۲. انفال: ۲۵.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۳.

۴. فرقان: ۲۰.



صابران همه خیرها را آماده می‌کند. پس رسول الله ﷺ به قدری گریه کرد که صدای ناله و هق‌هق او از بیرون خانه به گوش می‌رسید. پس این آیه نازل شد: «وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا»، یعنی خداوند بینا و دانا بود و می‌دانست که آن‌ها همچنان که گفته‌اند صبر خواهند کرد بر این فتنه.<sup>۱</sup>

### ۳. دارایی و فقر وسیله فتنه

برخی احادیث اشاره بر فتنه بودن «ثروت» و در مقابل آن «فقر» اشاره دارند؛ در ذیل آیه: رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ<sup>۲</sup>؛ پروردگارا ما را فتنه برای کافران قرار نده و ما را بیامرز. پروردگارا تو عزیز حکیم هستی. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

در میان فرزندان آدم علیه السلام هیچ مؤمنی نبود مگر اینکه فقیر باشد و هیچ کافری نبود مگر اینکه ثروتمند باشد تا اینکه ابراهیم علیه السلام آمد؛ پس به خداوند گفت: «رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا». در نتیجه این دعا، خداوند در بین مؤمنان نیز دارایی و نیاز را قرار داد، همچنان که در بین کافران این دو را قرار داد.<sup>۳</sup>

### ۴. مومنان مصداق فتنه ستمگران

در ذیل آیه ۸۵ سوره یونس، ظالمان و تسلط آنان مایه فتنه برای مردم شناخته شده است. از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام درباره آیه «فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِقَوْمِ الظَّالِمِينَ»؛ پس گفتند بر خدا توکل کردیم. پروردگارا ما را فتنه برای ستمکار قرار نده»، سؤال شد؛ فرمودند:

یعنی آن ظالمان را بر ما مسلط نکن تا به وسیله ما آن‌ها را فتنه و آزمایش کنی<sup>۴</sup>

امام باقر علیه السلام در روایت دیگری درباره این آیه فرمود:

آل فرعون قوم موسی علیه السلام را به بردگی گرفته بودند و می‌گفتند: اگر این‌ها [بنی اسرائیل و مؤمنان به دعوت موسی بن عمران] همچنان که ادعا می‌کنند نزد خدا کرامت و

۱. تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ج ۱، ص ۷۳۲.

۲. ممتحنه: ۵.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۲۰۲؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۵۳.

۴. تفسیر الکبیر، ج ۲، ص ۱۲۷.

مقامی داشتند، هرگز ما بر آن‌ها مسلط نمی‌شدیم. پس در این هنگام موسی علیه السلام به قومش گفت: «یا قَوْمِ إِنَّ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِنَّ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ \* فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ \* وَخِنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ؛ ای قوم اگر به خدا ایمان دارید پس بر او توکل کنید اگر تسلیم هستید. پس قوم موسی گفتند که بر خدا توکل کردیم. خدایا ما را موجب فتنه قوم ستمکار قرار نده و به رحمت خودت ما را از قوم کافر نجات بده»<sup>۱</sup>

## ۵. شرک مصداق فتنه

برخی روایات شرک را مصداق فتنه معرفی کرده‌اند؛ آیه و روایت این نوع معنا از فتنه عبارت‌اند از:

وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ اتَّهَمُوا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ<sup>۲</sup>؛ و با آن‌ها بجنگید تا زمانی که هیچ فتنه‌ای باقی نماند و دین فقط برای خدا باشد؛ پس اگر دست برداشتند هیچ دشمنی و عداوتی نمی‌ماند مگر بر ظالمان<sup>۳</sup>.

امام باقر علیه السلام فرمود که منظور از این فتنه همان شرک است<sup>۴</sup> و منظور از ستمکاران همان فرزندان قاتلان امام حسین علیه السلام است (که قائم آل محمد ص برای انتقام از آن‌ها در آخرالزمان قیام خواهد کرد)<sup>۵</sup>.

بنابراین مصادیق فتنه در آیات قرآن طبق روایات معصومان علیهم السلام، خود اهل بیت علیهم السلام، دشمنان اهل بیت علیهم السلام، ثروت و فقر، ظالمان و شرک است؛ با توجه به آیات و احادیث یاد شده، چهار آیه با تفسیر روایی به مورد اول یعنی آزمایش مردم به وسیله اهل بیت علیهم السلام) تفسیر شده است که اطاعت و یا اطاعت نکردن از ائمه علیهم السلام وسیله آزمایش مردم را فراهم می‌کند؛ همچنین مصداق‌های دیگر مانند دشمنان اهل بیت علیهم السلام، ستم ستمگران و شرک نیز در پرتو ولایت ناپذیری به وجود می‌آید؛ چنان‌که کسی که تابع ولایت اهل بیت علیهم السلام نباشد ظلم و ستم را روا می‌داند و به دشمنی با اهل بیت علیهم السلام به پا می‌خیزد و

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۱۴.

۲. بقره: ۱۹۳.

۳. رک: مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۱۳.

۴. رک: ابن قولویه، ص ۶۳.

شرک و مقابله با خداوند را در دستور کار خود قرار می‌دهد؛ از این رو «امتحان با ولایت» از مصادیق اصلی فتنه است.

### ج) تطبیق مصادیق فتنه بر عصر ظهور

روشن شد که فتنه اصلی و مهم در هر زمان، همان امتحان با ولایت خلیفه خداست؛ اما چرا و چطور مردم به وسیله ولایت خلیفه خدا مورد فتنه قرار می‌گیرند؟ نخستین بار که خداوند سبحان خلیفه‌ای را در زمین نصب و معرفی کرده، فرشتگان به این استخلاف الهی اعتراض کرده و می‌گویند:

وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ<sup>۱</sup>؛ آیا کسی را در زمین خلیفه می‌کنی که فساد می‌کند و خون می‌ریزد، درحالی که ما به حمد تو تسبیح و تقدیس می‌کنیم؟ خداوند فرمود: من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.

پس از آنکه برتری علمی آدم عَلَيْهِ السَّلَام بر فرشتگان روشن شد و حکمت این استخلاف را دانستند، خداوند همه آن‌ها را امر به سجده و تسلیم در مقابل خلیفه خودش نمود و همه فرشتگان برای آدم عَلَيْهِ السَّلَام سجده کردند، اما ابلیس که صدها سال در ظاهر به عبادت پروردگار مشغول بود، در مقابل امر الهی استکبار کرد و در این فتنه به طور کامل شکست خورد:

وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ<sup>۲</sup>.

استکبار از باب استفعال به معنای طلب بزرگی است؛ یعنی دلیل شکست ابلیس در این فتنه، همان منیت و بزرگ طلبی بود؛ او می‌خواست در مقابل خدایی سجده کند که دیده نمی‌شود، یا اگر قرار است در مقابل مخلوقی خضوع و سجده کند، باید آن مخلوق باید اوصافی خارق عادت داشته باشد، نه اینکه در ظاهر از جنسی فرودست‌تر از جنس جنیان

۱. بقره: ۳۰.

۲. همان: ۳۴.

باشد. از این روست که در جای دیگری علت سجده نکردن خویش در مقابل خلیفه خدا را این گونه بیان می کند که تو من را از آتش آفریدی و او را از گل آفریدی و آتش از گل شریف تر است؛ پس من نمی توانم تسلیم چنین موجودی باشم که در ظاهر هیچ برتری بر من ندارد.

قَالَ مَا مَنَعَكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ<sup>۱</sup>

اکنون روشن می شود که چرا همواره عالمان و بزرگانی که برای خود جایگاه و عظمت و کبریایی قائل هستند، در مقابل خلفای خدا اعم از انبیاء و رسولان و اوصیاء به اعتراض و سرکشی روی می آورند و چرا بزرگان قوم نوح عَلَيْهِ السَّلَام و موسی عَلَيْهِ السَّلَام و عیسی عَلَيْهِ السَّلَام و ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و بزرگان صحابه در زمان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حاضر به تبعیت و تمکین در مقابل خلفای الهی زمان خودشان نشدند؟

آنان گمان می کنند که اگر کسی از بین مردم عادی و قشر مستضعف جامعه برخیزد و ادعای خلافت و رسالت الهی کند، بی درنگ باید حکم به گمراهی، دروغگویی، دیوانگی و ارتداد او کنند؛ زیرا هرگز به پیروی از کسی که به ظاهر از آنان کوچک تر یا ساده تر است، نیستند. بهانه اینان برای مخالفت و تکذیب رسولان الهی همیشه این بوده که این شخص اگر فرستاده خداست، چرا معجزه ای آشکار نمی آورد که برتری او بر همه ما روشن شود؟ چرا کاری نمی کند که همه مجبور به تصدیق او شوند و بدانند که او دارای قدرت خارق العاده الهی است؟

مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بِآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ<sup>۲</sup>؛ تو فقط یک بشر عادی مثل خودمان هستی؛ پس اگر راست می گویی یک معجزه بیاور.

آنان در برابر خلیفه حقیقی خدا سجده نمی کنند؛ زیرا او انسانی عادی است که به سبب تقوا و اخلاصش، خداوند او را به خلافت برگزیده و علم الهی به او داده است؛ آنان همان سخن ابلیس را به زبان می آورند و مبتلا به همان بیماری ابلیس (منیت و استکبار) هستند و مانند ابلیس، علمای بی عمل و متکبر هستند.

۱. اعراف: ۱۲.

۲. شعراء: ۱۵۴.

به نمونه‌ای از این آیات قرآنی توجه کنید:

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا تَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا تَرَاكَ أَتْبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادْيِ الرَّأْيِ وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَنْظُرُكُمْ كَادِبِينَ؛<sup>۱</sup> بزرگان قوم نوح نوح که منکر و کافر به دعوت نوح بودند گفتند: ما تو را صرفاً یک بشر عادی مثل خودمان می‌بینیم و پیروانت را از فرومایگان ساده و ضعیف‌العقل می‌بینیم و هیچ برتری در شما نسبت به خودمان نمی‌بینیم، بلکه گمان می‌کنیم که دروغگو هستید.

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولِينَ؛<sup>۲</sup> بزرگان قوم نوح که کافر و منکر او بودند گفتند: این شخص تنها یک بشر عادی مثل شماست که می‌خواهد بر شما برتری و ریاست پیدا کند و اگر خدا می‌خواست کسی را بفرستد حتماً فرشتگانی را می‌فرستاد (نه یک انسان عادی مثل خودمان). ما چنین چیزی را در پدران و نسل‌های گذشته خودمان نشدیدیم.

روشن شد که مخالفین اصلی دعوت رسولان الهی، بزرگان و رهبران قوم بودند که از روی تکبر و استکبار حاضر به پذیرش دعوت فرستاده خدا نمی‌شدند؛ بهانه آنان این بوده که این شخص انسانی عادی مثل خود ماست و پیروانش افراد فرومایه (اراذل) و کم‌خرد (بادی‌الرأی) هستند و از سویی هیچ کار خارق‌عادتی نمی‌کند تا بر ما معلوم شود که قدرتی ویژه و برتری آشکاری دارد و ما مجبور به اطاعت از او هستیم.

درواقع آنان منکر اصل نبوت و رسالت الهی نیستند؛ اما می‌گویند کسی باید خلیفه و رهبر الهی باشد که مانند ما یا ضعیف‌تر از ما نباشد، بلکه برتری آشکاری داشته باشد یا معجزه‌ای مادی بیاورد، درحالی‌که خلفای الهی از آغاز تاکنون همیشه خود را با نص و وصیت رسول قبل و علم به محکّمات و متشابهات دین معرفی می‌کردند، نه با معجزه مادی که جایی برای ایمان به غیب باقی نمی‌گذارد. از این رو مستکبران حاضر به تسلیم و پیروی از ایشان نمی‌شدند، همان‌طور که ابلیس به همین دلیل حاضر به سجده نشد.

۱. هود: ۲۷.

۲. مؤمنون: ۲۴.

این سنت الهی تغییرناپذیر است و در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مستکبران به همین بهانه از قبول و یاری او امتناع می‌ورزند و بلکه مردم را برای کشتن شخص یا شخصیت او بسیج می‌کنند؛ همچنان که بزرگان متکبر اقوام گذشته به همین دلیل از پذیرش خلفای الهی سر باز زده و دستور قتل، تبعید و حبس آنان را می‌دادند. در بخش قبل روشن شد که تقریباً بیشتر آیات مربوط به فتنه، در روایات اهل بیت علیهم السلام به مسئله پذیرش ولایت امامان منتصب از سوی خدا و همچنین پذیرش ولایت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان آخرین ولی امر و اطاعت از ایشان تفسیر شده است؛ با توجه به روایات سه فتنه بزرگ پس از ظهور رخ خواهد داد که در ذیل به آن‌ها پرداخته می‌شود.

### ۱. فتنه جوان بودن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از فتنه‌های زمان ظهور نپذیرفتن ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به علت جوان بودن ایشان است؛ ظهور ایشان در قالب سن جوانی وسیله‌ای برای آزمایش و امتحان ولایت‌پذیری مردم خواهد بود؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لَوْ قَدَّ قَامَ الْقَائِمُ لِأَنَّكَرَهُ النَّاسُ، لِأَنَّهُ يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ سَابِئاً مُّوَفَّقاً!» اگر قائم ما قیام کند مردم او را نمی‌شناسند، چون به صورت جوان به سوی آن‌ها برمی‌گردد.

نیز فرمودند:

وَإِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْبَلِيَّةِ أَنْ يُخْرَجَ إِلَيْهِمْ صَاحِبُهُمْ سَابِئاً وَهُمْ يَحْسَبُونَهُ شَيْخاً كَبِيراً<sup>۲</sup>، از بزرگ‌ترین ابتلائات این است که یاران آن حضرت به شکل جوانی به سوی آن‌ها خارج می‌شود، درحالی که آن‌ها گمان می‌کردند که پیرمرد بزرگی است!

امام در این روایات به روشنی بیان می‌کند که بزرگ‌ترین فتنه عصر ظهور این است که آن‌ها منتظر کسی هستند که به ظاهر باید پیرمرد باشد و درحالی که کسی دیگر به نزد آن‌ها می‌آید که برایشان ناآشناست.

اکنون پرسش این است که شیعیان هم اکنون منتظر نیستند که امام مهدی علیه السلام به صورت پیرمردی سالخورده ظاهر شود، بلکه اکثرآ می‌دانند که امام مهدی علیه السلام به صورت جوان

۱. مختصر البصائر، ص ۴۲۸.

۲. الغیبه، نعمانی، ص ۱۸۹.

ظاهر می‌شود؛ پس منظور روایت چیست؟!

به نظرمی‌رسد منظور از فتنه جوان بودن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، سخت بودن پذیرش او امر شخصی جوان از سوی افراد سالخورده و بزرگان است و لذا آنان فتنه نشناختن او را ایجاد می‌کنند و مردم را در پذیرش ولایت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف جوان، دچار تشکیک و یارد می‌کنند.

امام صادق علیه السلام هنگامی که آیه «إِذَا تُثْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ»<sup>۱</sup> گوید: که این افسانه‌های گذشتگان است» بر او تلاوت شد، فرمودند:

يَعْنِي تَكْذِيبَهُمْ بِالْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الشريف إِذْ يَقُولُونَ لَهُ لَسْنَا نَعْرِفُكَ وَ لَسْتَ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ علیها السلام كَمَا قَالَ الْمُشْرِكُونَ لِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وسلم؛ یعنی قائم عجل الله تعالی فرجه الشريف را تکذیب می‌کنند، هنگامی که به او می‌گویند: ما تو را نمی‌شناختیم و تو از فرزندان فاطمه علیها السلام نیستی، همچنان که مشرکان به محمد صلى الله عليه وآله وسلم گفتند (و او را از نسل اسماعیل و ابراهیم نمی‌دانستند).<sup>۲</sup>

## ۲. فتنه تصور ایجاد دین جدید

برخی روایات اشاره بر این دارد که هنگام قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و دعوت ایشان به حق، کسی دعوت ایشان را نمی‌پذیرد؛

امام باقر علیه السلام فرمود: «يَقُومُ قَائِمُنَا بِالْحَقِّ بَعْدَ إِيَّاسٍ مِنَ الشَّيْعَةِ، يَدْعُو النَّاسَ ثَلَاثًا فَلَا يُجِيبُهُ أَحَدٌ»<sup>۳</sup>، قائم ما قیام به حق می‌کند پس از آنکه از شیعه مایوس می‌شود؛ سه بار مردم را دعوت می‌کند، پس هیچ‌کسی جوابش را نمی‌دهد.

چرا قائم علیه السلام که شیعیان بسیاری در عالم سال‌ها مدعی انتظار او بودند، سه بار آنان را دعوت می‌کند و هیچ‌کسی پاسخش را نمی‌دهد؟ نخستین پاسخ این است که قائم علیه السلام برخلاف پندار منتظرانش، ولایتی جدید می‌آورد که آن‌ها نشنیده بودند و توقع آن را نداشتند. امام باقر علیه السلام فرمودند:

۱. قلم: ۱۵.

۲. تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص ۷۴۸.

۳. دلائل الإمامة، ص ۴۵۵.

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ دَعَا النَّاسَ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَ وَ إِنَّ الْإِسْلَامَ  
بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطُورِي لِلْغُرَبَاءِ ، همانا قائم ما هنگامی که قیام  
کند مردم را به امر (ولایت) جدیدی دعوت می‌کند، همچنان که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به  
امر جدیدی دعوت کرد و همانا اسلام غریبانه آغاز شده و به زودی (در هنگام  
ظهور قائم) به همان غربتی که در آغاز داشته برمی‌گردد.

همچنین امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَام جَاءَ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَ فِي بُدْوِ الْإِسْلَامِ إِلَى أَمْرٍ  
جَدِيدٍ؛ هنگامی که قائم عَلَيْهِ السَّلَام قیام کند، امر (ولایت) جدیدی می‌آورد، همان طور که  
پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آغاز اسلام به امر جدیدی دعوت کرد.<sup>۲</sup>

پس چون ولایتی که او آورده با پیش فرض‌های آنان مخالف است، او را تکذیب، انکار  
و تمسخر کرده و چه بسا با قصد تقرب برای جنگیدن با او و کشتنش صف‌آرایی می‌کنند.  
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

وَ إِنَّهُ أَوَّلُ قَائِمٍ يَقُومُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يُحَدِّثُكُمْ بِحَدِيثِ لَا تَحْتَمِلُونَهُ فَتَخْرُجُونَ عَلَيْهِ  
بِرُمِيْلَةِ الدَّسَكِرَةِ فُتُقَاتِلُونَهُ فَيُقَاتِلُكُمْ...<sup>۳</sup> و همانا او اولین قائمی است که از ما  
اهل بیت قیام می‌کند؛ به شما حدیثی می‌گوید که تحمل نمی‌کنید؛ پس بر او  
خروج می‌کنید در رميله دسکره؛ پس با او می‌جنگید و او با شما می‌جنگد... .

### ۳. فتنه ولیجه‌ها در عصر ظهور

پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از فتنه‌ای بسیار عظیم در آخرالزمان خبر داده و خطاب به امام علی عَلَيْهِ السَّلَام  
می‌فرماید:

وَ سَيَكُونُ بَعْدِي فِتْنَةٌ صَمَاءٌ صَالِمٌ يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ وَليجَةٍ وَ بَطَانَةٍ وَ ذَلِكَ عِنْدَ فِئْدَانِ  
شِيعَتِكَ الْخَامِسِ مِنَ السَّابِعِ مِنْ وُلْدِكَ يَحْزَنُ لِفَقْدِهِ أَهْلَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ فَكَمْ مُؤْمِنٍ وَ  
مُؤْمِنَةٍ مُتَأَسِّفٍ مُتَلَهِّفٍ حَيْرَانٍ عِنْدَ فَقْدِهِ ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ قَالَ يَا بِي وَ أُمِّي  
سَمِيَّةٌ وَ شَبِيهَةٌ وَ شَبِيهَةٌ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ؛ پس از من فتنه کور و لغزنده‌ای خواهد بود که  
هر ولیجه (افراد محبوب) و بطانه (افراد مورد مشورت و صاحب سر) در آن سقوط  
می‌کنند و آن هنگامی است که شیعیان تو پنجمین فرزند از هفتمین فرزندت را گم

۱. الغيبة، نعمانی، ص ۳۲۱.

۲. الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۴.

۳. الزهد، ص ۱۰۴.



می‌کند. اهل زمین و آسمان برای فقدان او محزون می‌شوند. پس چه مؤمنان فراوانی که هنگام فقدانش اندوهگین و متحیر می‌شوند. سپس مدتی طولانی سرش را به زیر انداخت و سپس سرش را بلند کرده و فرمود: پدر و مادرم فدای هم‌نام و شبیه خودم و فدای شبیه موسی بن عمران علیه السلام.<sup>۱</sup>

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به صراحت می‌فرماید: هر ولیجه و بطانه‌ای در آن فتنه سقوط می‌کند، یعنی همه کسانی که مردم به آنان علاقه و اعتماد دارند و در امر دین و دنیا به آنان متکی هستند در آن فتنه و امتحان عظیم شکست می‌خورند. در نتیجه در آن فتنه عظیم به هیچ کس نمی‌توان اعتماد کرد، حتی به بزرگان و اشخاص محبوب و مورد مشورت؛ پس پیروی از هر غیر معصومی در آن فتنه موجب سقوط و هلاکت است.

امام صادق علیه السلام در روایت دیگری فرمود:

إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ علیه السلام خَرَجَ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَرَى أَنَّهُ مِنْ أَهْلِهِ وَ دَخَلَ فِيهِ شِبْهُ عِبْدَةِ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ؛ یعنی هنگامی که قائم علیه السلام خروج کند کسانی از این ولایت خارج می‌شوند که همیشه گمان می‌کردند که از اهل آن هستند و کسانی شبیه خورشیدپرستان و ماه‌پرستان داخل این ولایت می‌شوند.<sup>۲</sup>

بنابراین برخی دین‌داران و منتظران واقعی و بلکه گروهی که خود را صاحب دین خدا می‌دانند، در این فتنه شکست می‌خورند، همچنان که اهل کتاب (بزرگان و علمای قوم یهود و نصاری) در امتحان شناخت و اطاعت از پیامبر موعود حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم شکست خوردند و کسانی مانند سلمان فارسی و مقداد و ابوذر و بلال و مستضعفانی مانند اینان که در نزد اهل ثروت و قدرت و دین هیچ جایگاهی نداشتند، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را شناخته و یاری کردند.

بنابراین فتنه جوان بودن امام مهدی عج، تصور به وجود آمدن دین جدید و فتنه ولیجه‌ها از مهم‌ترین فتن روزگار عصر ظهور است که هر سه به ولایت‌ناپذیری می‌انجامد که در واقع همان فتنه پذیرش ولایت خلیفه خدا در روی زمین است.

۱. کفایه الأثر فی النص علی الائمه الأئنی عشر، صص ۱۵۸، ۱۵۹.

۲. الغیبة، نعمانی، ص ۳۱۷.

## نتیجه

هر چیزی که انسان را به خود مشغول کند و موجب شود تشخیص سره از ناسره سخت گردد و در نهایت انسان را به ابتلاء و آزمایش سوق دهد، «فتنه» نامیده می‌شود؛ مصادیق فتنه در آیات قرآن طبق روایات معصومان علیهم‌السلام، «پذیرش ولایت خلیفه‌الله (اهل بیت علیهم‌السلام)»، «دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام»، «ثروت و فقر»، «ظالمان» و «شرک» است؛ آزمایش مردم به وسیله اهل بیت علیهم‌السلام که اطاعت کردن و یا اطاعت نکردن از ایشان وسیله آزمایش مردم را فراهم می‌کند، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین «فتنه» محسوب می‌شود؛ زیرا که دیگر مصادیق فتنه مانند «دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام»، «ستم ستمگران» و «شرک» نیز در پرتو ولایت ناپذیری به وجود می‌آید؛ با این توضیح که کسی که تابع ولایت اهل بیت علیهم‌السلام نباشد ظلم و ستم را روا می‌داند و به دشمنی با اهل بیت علیهم‌السلام به پا می‌خیزد و شرک و مقابله با خداوند را در دستور کار خود قرار می‌دهد؛ از این رو «امتحان با ولایت» از مصادیق اصلی فتنه است؛ مصادیق بارز فتنه به وسیله ولایت در زمان ظهور امام مهدی عج اتفاق خواهد افتاد که طبق روایات فتنه نپذیرفتن امام به علت جوان بودن و یا زیر بار ولایت شخصیت جوان نرفتن، فتنه تصور ایجاد دین جدید و فتنه ولیجه‌ها از بزرگ‌ترین مصادیق آن است که سبب انکار آن حضرت به وسیله افراد و یا قومی خواهد شد.

## کتابنامه

- ۱ . قرآن کریم .
- ۲ . الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، شیخ مفید، محمد بن محمد، تحقیق: مؤسسه آل البيت عليه السلام، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
- ۳ . اصول الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، ترجمه مصطفوی، چاپ اول، تهران، کتاب فروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
- ۴ . الأمالی، شیخ مفید، محمد بن محمد، تحقیق: حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
- ۵ . بحار الانوار الجامع لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، تحقیق: بهبودی، محمدباقر، چاپ دوم، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
- ۶ . البرهان فی تفسیر القرآن، بحرانی، هاشم بن سلیمان، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة مؤسسة البعثة - قم، چاپ اول، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
- ۷ . تاج العروس من جواهر القاموس، حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تحقیق: علی هلالی و علی سیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- ۸ . تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العتره الطاهره، استرآبادی، علی، تحقیق: استاد ولی حسین، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۹ ق.
- ۹ . التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مصطفوی، حسن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
- ۱۰ . التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ابن طاووس، علی بن موسی، تحقیق: مؤسسه صاحب الامر؛ اصفهان، قم، مؤسسه صاحب الامر، ۱۴۱۶ ق.
- ۱۱ . التعجب من اغلاط العامه فی مسأله الامامه، کراچکی، محمد بن علی، تحقیق: کریم فارس حسون، قم، دارالغدیر، ۱۴۲۱ ق.
- ۱۲ . تفسیر القمی، قمی، علی بن ابراهیم، تحقیق: موسوی جزایری طیب، چاپ سوم، قم، انتشارات دارالکتاب، ۱۳۶۳ ش.

- ۱۳ . تفسیر نورالثقلین، عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تحقیق: رسولی محلاتی سید هاشم، چاپ چهارم، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
- ۱۴ . تهذیب اللغة، ازهری، محمد بن احمد، بیتا، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۱۵ . الخصال، شیخ صدوق، محمد بن علی، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه، ۱۳۶۲ ش.
- ۱۶ . دلائل الإمامة، طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم، بعثت، ۱۴۱۳ ق.
- ۱۷ . روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، تحقیق: حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهازدی، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ۱۴۰۶ ق.
- ۱۸ . الزهد، کوفی اهوازی، حسین بن سعید، تحقیق: غلامرضا عرفانیان یزدی، قم، المطبعة العلمية، ۱۴۰۲ ق.
- ۱۹ . سعد السعود للنفوس منصود، ابن طاووس، علی بن موسی، قم، دارالذخائر، بی تا.
- ۲۰ . شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، عبدالحمید ابن هبه الله، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
- ۲۱ . الطوائف في معرفة مذاهب الطوائف، ابن طاووس، علی بن موسی، تحقیق: علی عاشور، قم، خیام، ۱۴۰۰ ق.
- ۲۲ . العین، فراهیدی، خلیل بن احمد، چاپ دوم، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹ ق.
- ۲۳ . الغیبه، نعمانی، ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، تحقیق: غفاری، علی اکبر، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ ق.
- ۲۴ . الغیبه، طوسی، محمد بن الحسن، تحقیق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دار المعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ ق.
- ۲۵ . فرهنگ ابجدی، بستانی، فؤاد افرام، مترجم رضا مهیار، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
- ۲۶ . کتاب التفسیر، عیاشی، محمد بن مسعود، تحقیق: رسولی محلاتی سید هاشم، چاپ اول، تهران، چاپخانه علمیّه، ۱۳۸۰ ش.

- ٢٧ . كتاب الجيم، الشيباني، محمد بن الحسن، قاهره، الهيئة العامة لشئون المطابع الاميرية، ١٩٧٥م.
- ٢٨ . كفايه الأثر فى النص على الأئمة الأثنى عشر عليهم السلام، خزاز رازى، محمد بن على، تحقيق: حسيني كوهكمري، قم، بيدار، ١٤٥١ ق.
- ٢٩ . كامل الزيارات، ابن قولويه، جعفر بن محمد، تحقيق: عبد الحسين امينى، نجف اشرف، دارالمرتبوية، ١٣٥٦ ش.
- ٣٠ . لسان العرب، ابن منظور، محمد بن مكرم، چاپ سوم، بيروت، دار صادر، ١٤١٤ق.
- ٣١ . مجمع البيان فى تفسير القرآن، طبرسى، فضل بن حسن، تحقيق: بلاغى محمدجواد، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ١٣٧٢ ش.
- ٣٢ . المحكم و المحيط الأعظم، ابن سيده، على بن اسماعيل، تحقيق عبد الحميد هنداوى، چاپ اول، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٢١ ق.
- ٣٣ . المحيط فى اللغة، صاحب بن عباد، اسماعيل، تحقيق محمد حسن آل ياسين، چاپ اول، بيروت، عالم الكتب، ١٤١٤ ق.
- ٣٤ . مختصر البصائر، علامه حلى، حسن بن سليمان، تحقيق: مظفر مشتاق، قم، موسسه النشر الاسلامى، ١٤٢١ ق.
- ٣٥ . معجم مقاييس اللغة، ابن فارس، احمد بن فارس، تحقيق عبد السلام محمد هارون، چاپ اول، قم، مكتب الاعلام الاسلامى، ١٤٥٤ ق.
- ٣٦ . مفردات ألفاظ القرآن، راغب اصفهانى، حسين بن محمد، تحقيق: داوودى، صفوان عدنان، بيروت، دار القلم - الدار الشامية، ١٤١٢ ق.
- ٣٧ . مناقب آل ابى طالب عليهم السلام، ابن شهر آشوب، محمد بن على، قم، علامه، ١٣٧٩ق.
- ٣٨ . نهج الحق و كشف الصدق، علامه حلى، حسن بن يوسف بن مطهر، بيروت، دار الكتب اللبنانى، ١٩٨٢ م.

